کیفرخواستی علیه امپریالیسم

افشاگری ویجی پراشاد از پشت پرده براندازی حکومت‌های مردمی به دست نظام سلطه جهانی در کتاب گلوله‌های واشینگتن

عملیات آژاکس باعث نفرت ایرانیان از آمریکا شد. این عنوان رمز عملیاتی مشترک بین سرویس اطلاعاتی انگلستان و سازمان سیا بود که با هدف سقوط دولت محمد مصدق صورت گرفت.

تاریخ سیاسی

مریم شهبازی
گروه کتاب

وقتی درباره سیاست خارجی آمریکا و ردپای آن در کودتاهای جهان صحبت می‌کنیم، کمتر کتابی به صراحت «گلوله‌های واشینگتن» راه حقیقت را می‌پیماید. ویجی پراشاد با نگاهی تیزبین، جهان معاصر را از منشور قدرت‌های غربی، منافع اقتصادی، و استانداردهای دوگانه‌شان می‌نگرد. در شرایط خاص امروز جهان و افزایش حساسیت عمومی نسبت به مداخلات خارجی، این کتاب امکانی برای بررسی عینی و مستند سیاست‌های مؤسسات اطلاعاتی آمریکا (به‌ویژه CIA)، ابزارهای سرکوب، و روایت‌های رسمی غرب را فراهم می‌کند. انتشار نسخه فارسی این کتاب از سوی نشر رایبد و به ترجمه روژان مظفری، فرصتی است تا علاقه‌مندان با تاریخ مداخله‌گری‌های آمریکا در کشورهای مختلف، پشت‌پرده برخی کودتاها و سازوکار پروپاگاندا از منظر یک نویسنده منتقد و چپ‌گرای مشهور آشنا شوند.

سیاست‌هایی علیه دولت‌های مستقل

کتاب «گلوله‌های واشینگتن» (Washington bullts) با پیشگفتار اوو مورالس آیما، نخستین رئیس جمهور بومی بولیوی آغاز می‌شود؛ مردی که خود، قربانی کودتایی سازمان‌یافته شد. او در شرح مختصری از این کتاب گفته: «این کتاب درباره گلوله‌ها است. گلوله‌هایی که روندهای دموکراتیک را ترور کردند، انقلاب‌ها را ترور کردند، امید را ترور کردند.» و از نویسنده هندی‌اش به عنوان مورخ و روزنامه‌نگار شجاعی یاد کرده که تمام تلاش خود را به کار گرفته تا توضیحی قابل فهم و جامع، برای منافع شومی در اختیار بگذارد که در نتیجه‌اش امپریالیسم در کشورهایی مداخله می‌کند که در تلاش هستند تا سرنوشت خود را بسازند.

مورالس آیما در همان آغاز، خواننده را متوجه مسأله‌ای می‌کند که پراشاد در کتاب بارها و با ذکر نمونه‌های مختلف به آن پرداخته است؛ مداخله مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا برای تغییر حکومت‌هایی که حاضر به همسویی با واشینگتن نبودند. او نوشته چگونه فشارهای اقتصادی، رسانه‌ای و نظامی، در کنار عملیات سیاسی و اطلاعاتی، مجموعه‌ای مخرب را علیه دولت‌های مستقل شکل داده است. این لحن صریح و بی‌پرده، کتاب را به بیانیه‌ای علیه سیاست‌های مداخله‌گرانه بدل می‌کند. به گفته مورالس آیما، اگر رهایی بشریت دور از دسترس به نظر می‌رسد به آن دلیل است که واشینگتن اصرار دارد از گلوله‌های خود علیه مردم جهان استفاده کند.

ویجی پراشاد دو نمونه مشهور از تاریخ معاصر را به عنوان چارچوب اصلی تحلیل‌های خود در کتاب «گلوله‌های واشینگتن» انتخاب کرده است؛ کودتاهای ۱۹۵۳ ایران و ۱۹۷۳ شیلی.

ایران ۱۹۵۳: کودتای ۲۸ مرداد علیه محمد مصدق که در نتیجه ملی‌کردن صنعت نفت و تهدید منافع شرکت‌های نفتی و دولت بریتانیا رخ داد و با همکاری عملیاتی سازمان سیا و سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا (MI6) به سرانجام رسید، اتفاقی بود که مشابه آن هرچند سال یک‌بار در کشورهای دیگر هم تکرار شد. او عمده‌ترین دلیل وقوع این کودتاها را برنامه‌ریزی برای ایجاد موانعی بر سر راه کشورهایی خوانده است که برای خروج از فقر و نابرابری کوشیده‌اند.

شیلی ۱۹۷۳: سرنگونی سالوادور آلنده، رئیس جمهور سوسیالیست که با پشتیبانی مالی و اطلاعاتی واشینگتن و شرکت‌های چندملیتی، و با کودتای آگوستو پینوشه صورت گرفت و سال‌ها به دیکتاتوری نظامی انجامید.

پراشاد نشان می‌دهد این دو نمونه، تنها فصل‌های پراکنده تاریخ نیستند بلکه بخشی از «دکترین تغییر رژیم» هستند که بارها در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا اجرا شده است. چرایی وقوع کودتای سیا در سال ۱۹۵۴ در گواتمالا و برشمردن دلایل نابودی این کشور کوچک در راستای حفظ منافع ایالات متحده آمریکا از موارد دیگری است که درباره‌اش می‌خوانید. پراشاد معتقد است هزینه گلوله‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که برای سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهان به کار گرفته می‌شوند همگی از مردمی اخذ می‌شود که در کودتاها و ترورهای سازمان‌دهی شده واشینگتن یا کشته می‌شوند و یا منافع‌شان از میان می‌رود؛ گلوله‌هایی که عمدتاً از سوی بوروکرات‌های نظم جهانی و برای مهار امواج جزر و مدی شلیک شده‌اند که انقلاب ۱۹۱۷ روسیه برای شکل دادن به جنبش‌های ضداستعماری در سراسر جهان به راه انداخت. از نخستین امواج پسا انقلاب می‌توان به موجی اشاره کرد که در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و در اروپای شرقی به راه افتاد، موجی که جنگ سرد و تقابل شرق و غرب را به راه انداخت. موج دیگر از ویتنام و چین به کوبا، اندونزی به شیلی رفت و منجر به ایجاد کشمکش مرگبارتر بین شمال و جنوب شد.

تلاش برای سلطه‌ای همه‌جانبه

پراشاد تأکید دارد که امپریالیسم قدرتمند در تلاش است تا مردم را برای بهره‌مندی حداکثری از منابع، نیروی کار و ثروت، تحت سلطه خود درآورد. البته او معتقد است در نهایت آزادی به این راحتی مهار نمی‌شود و مردم جوامع تحت سلطه، همچنان برای دست‌یابی به دنیایی جدید حرکت می‌کنند و شکست‌هایی که امپریالیسم به آنها تحمیل می‌کند منجر به توقف‌شان نمی‌شود.

«گلوله‌های واشینگتن» در سه فصل «حق الهی»، «راهنمای تغییر رژیم» و «استراتژی ما اکنون باید تمرکز دوباره باشد» نوشته شده است؛ «حق الهی» به یک اصل قدیمی و تثبیت شده اشاره دارد؛ به این معنی که پادشاهان برخوردار از حقی هستند که از طرف خدا مقدر شده و به آنان اجازه می‌دهد هر طور می‌خواهند عمل کنند. این تفکر و پیروی کورکورانه که ساخته و پرداخته پادشاهان بوده در گذر سال‌ها، از سوی کشورهای مستعمره درهم شکسته است. اربابان استعماری کهن، علاقه‌مند بودند دیگران فکر کنند که دست خدا به همراه‌شان است تا صلح و تمدن را برای جهان به ارمغان بیاورند؛ ایده و خواسته‌ای که آن را در گفتمان‌های کلان حقوق بین‌الملل مدرن نیز گنجاندند. اما مواجهه اروپا با عباراتی همچون «صلح» ریاکارانه بود، هرچند که جهان مستعمره درباره‌اش مطلع بود. در ادامه این فصل به زمینه‌های برپایی اولین کنوانسیون ژنو در ۱۸۶۴، به دلایلی از جمله احساس خشم از کشته شدن تعداد زیادی از اروپاییان در نبردهای اروپا اشاره شده است؛ دو درگیری خاص بیش از همه در این رابطه موثر بوده‌اند؛ درگیری در کریمه بین سال‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۵۶ که جان ۳۰۰ هزار نفر را گرفت و نبرد سولفورینو در ۱۸۵۹ که طی یک روز ۴۰ هزار نفر را به کشتن داد. بعد از تبعات وقوع جنگ جهانی اول، کنوانسیون‌های ژنو بعدی در تلاش بودند تا از شدت فناوری‌های جدید مرگ بکاهند. آثاری همچون «سلاخ‌خانه شماره پنج» نوشته کرت ونه گات نیز با نقد به ویرانگری بمباران نوشته شد؛ به خصوص که نویسنده آمریکایی این کتاب به عنوان اسیر جنگی در درسدن آلمان گرفتار شده و ویرانی‌های جنگ را از نزدیک دیده بود.

> پراشاد با اتکا به اسناد رسمی، نقل قول از شخصیت‌های تاریخی، و روایت‌های مختلف، نشان داده است که چگونه کودتاهای خارجی توسط ابرقدرت‌ها نه‌تنها موجب تغییر حکومت‌ها، بلکه آغازگر دهه‌ها ناامنی، فساد، و فقر ساختاری در مناطق مختلف بوده‌اند

با وجود تأکید اولین کنوانسیون ژنو بر تبعات کشتار اروپاییان، به جنگ‌های استعماری هیچ اشاره‌ای نشده بود و آنان هیچ اهمیتی برای سرکوب وحشتناک قیام بومیانی نظیر سرخپوست‌ها در سال ۱۸۵۷ قائل نشدند؛ حتی نسل‌کشی مردم بومی استرالیا هم به کلی مسکوت ماند. این سکوت در تمام کنوانسیون‌های ژنو تا ۱۹۴۹ ادامه یافت. تنها در سال ۱۹۷۷- به عنوان پروتکل الحاقی ۱- بود که ژنو تصدیق کرد، جنگ‌های آزادی‌بخش ملی باید در چارچوب کنوانسیون‌های جنگ مسلحانه در نظر گرفته شده و مشمول قوانین بین‌المللی شوند. با شکل‌گیری منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، اسناد جامعه ملل در تلاش بود با پیچیدگی‌های صلاحیت قضایی جهانی و واقعیت یک جهان استعماری کنار بیاید. متفقین سازمان ملل را روی خاکسترهای درسدن و هیروشیما ساختند. در این ساختار برخی دولت‌های عضو قدرت بیشتری نسبت به سایرین داشتند و یکی از آنان می‌خواست به قدرت برتر تبدیل شود، آن کشور ایالات متحده بود.

پراشاد به چگونگی شکل‌گیری برخی پارادایم‌ها از جمله «قطب و اقمار» نیز اشاره کرده، به این معنا که ایالات متحده، قطب و متحدانش اقمار هستند. در این دوران که تقریباً مصادف با دهه نخست بعد از جنگ جهانی دوم بود، برخی نظیر فرانسه و بریتانیا به دنبال بازیابی قدرت سابق خود برآمدند و برای تحقق آن جنگ‌های استعماری تضعیف‌کننده راه انداختند. نویسنده کتاب «گلوله‌های واشینگتن» مواجهه استعمارگران با شرایط تازه و چگونگی روش‌های سرکوب‌گرانه‌شان و ظهور آمریکا در مقام قدرت برتر را شرح داده است. گسترش نفوذ کمونیسم از جمله موانع جدی در این مسیر بود، همبستگی اقمار با ایالات متحده در برابر کمونیسم، راهی برای حذف احزاب کارگران و دهقانانی بود که به قدرت نزدیک می‌شدند یا قدرت را به دست می‌گرفتند. در این بین رایج‌ترین ابزار مورد استفاده ایالات متحده، مداخله در انتخابات و کودتا بود. کمونیست‌ها به واسطه نقش قهرمانانه‌ای که در مبارزه با نازیسم بازی کرده بودند- از فرانسه تا یوگسلاوی- بالاترین سطح محبوبیت را داشتند. با این حال باید نابود می‌شدند و نخبگان اجتماعی قدیمی به مسند قدرت برمی‌گشتند. در چنین شرایطی سازمان‌های ضدکمونیستی به راه افتادند و شرکت‌های چندملیتی نیز نقش مهمی در حذف کمونیست‌ایفا کردند؛ اقمار آماده بودند به خاطر منافع طبقاتی‌شان، برای دهه‌های آینده به آمریکا وفادار بمانند.

مداخله به اسم آزادی

بخش مهمی از کتاب «گلوله‌های واشینگتن» به آمریکای لاتین اختصاص دارد؛ جایی که سیاستمداران و مردم عادی بارها درگیر کودتا یا محاصره اقتصادی شدند. پراشاد به تفصیل از ماجراهای گواتمالا ۱۹۵۴، نیکاراگوئه دهه ۱۹۸۰ و ونزوئلا در سال‌های اخیر گفته است. او به استناد اسناد، نشان داده چگونه واشینگتن با استفاده از شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی، پیمان‌های امنیتی و نفوذ اقتصادی، ساختارهای سیاسی داخلی این کشورها را متزلزل کرده است. در فصل دوم کتاب با عنوان «راهنمای تغییر رژیم» نویسنده از نقش شرکت «یونایتد فروت» در گواتمالا تا نقش صندوق بین‌المللی پول در تثبیت مداخله‌های اقتصادی نوشته است؛ از جمله به ماجرای تلاش دولت ریچارد نیکسون، رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۷۰، در همراهی با هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی برای تضعیف دولت آلنده و دخالت در امور سیاسی و اقتصادی شیلی اشاره کرده است.

پراشاد درباره مجوز تمام و کمال ایالات متحده به سمی‌ترین ایدئولوژی‌های سیاسی برای حذف مخالفانش و کودتاها نیز نوشته است، فرمولی که در آرژانتین و شیلی، در برزیل و عراق و غنا استفاده شد. نکته قابل توجه در تلاش ایالات متحده برای جا انداختن این موضوع بود که آنان نقشی در این وقایع نداشته‌اند و این کمونیست‌ها هستند که خودشان را می‌کشند. هرچند در ادامه دیگر به انجام مخفیانه اقدامات‌شان راضی نبودند؛ نیکسون در مواجهه با ویتنام شمالی‌ها به دنبال آن بود که باور کنند او به جایی رسیده که ممکن است برای متوقف کردن جنگ دست به هر کاری بزند و گمان کنند که او دستش را روی دکمه هسته‌ای گذاشته است.

پراشاد، راه‌اندازی ایده «جهان آزاد» را اقدامی برای مشروعیت‌زدایی از جهان سوسیالیستی و پروژه جهان سوم خوانده است که در نتیجه پول زیادی به رسانه‌ها و سایر صنایع فرهنگی سرازیر شد.

از سوی دیگر کوشیدند تا دخالت‌های خود را در کشورهای جهان سوم به نام آزادی انجام بدهند، تفسیری که به گفته پراشاد شاهکاری در راستای حفظ منافع ایالات متحده و همچنین دیگر کشورهایی نظیر فرانسه و انگلستان بود. پراشاد اصطلاح «جنوب جهانی» را به کار می‌برد تا پیوند بین کشورهایی را توضیح دهد که در برابر استعمار یا نواستعمار مقاومت کرده‌اند. او تأکید دارد که تجربه‌های ایران، آفریقای جنوبی، کوبا، و ویتنام هرچند متفاوت است، اما در یک نکته مشترک هستند؛ مواجهه این کشورها با قدرتی که برای حفظ برتری جهانی خود حاضر به استفاده از هر ابزاری است.

آغاز دور تازه مداخلات

فصل سوم با عنوان «استراتژی ما اکنون باید تمرکز دوباره باشد» به آغاز دور تازه مداخلات در کشورهای جهان سوم اشاره دارد که با خاموشی چراغ اتحاد جماهیر شوروی آغاز می‌شود. یک گروه سیاسی از وزارت دفاع ایالات متحده در ۱۹۹۰ پیش‌نویس دستورالعمل برنامه‌ریزی دفاعی تهیه کرد، این تیم به رهبری دیک چنی تأکید داشتند «اولین هدف ما، جلوگیری از ظهور مجدد رقیبی جدید، چه در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق و چه در جاهای دیگری است که تهدید علیه نظمی باشد که قبلاً اتحاد جماهیر شوروی تهدیدی برای آن به شمار می‌رفت.» در نتیجه چنین نگاهی، کمی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، دولت ایالات متحده همه دولت هایی را که با این نظام به رهبری ایالات متحده موافق نبودند را دولت‌های سرکش خواند. حمله به ایالات متحده در یازده سپتامبر ۲۰۰۱، ظرف چند روز با سازوکار قانونی همراه شد که ایالات متحده را قادر ساخت تا «جنگی علیه تروریسم» به طور دائمی و جهانی به راه بیندازد. هرچند که زیرساخت‌های آن یک دهه قبل از ۲۰۰۱ شکل گرفته بود، همچون جنگ نامتقارن و ترکیبی علیه عراق، بمباران یوگسلاوی و جنگ علیه القاعده. بخش پایانی کتاب بر فشار حداکثری ایالات متحده، علیه ایران متمرکز شده است و نویسنده به شرح روندی که برای توافق هسته‌ای با ایران طی می‌شود و بعدتر عهدشکنی ترامپ پرداخته است. افزایش تحریم‌ها علیه ایران تا آنجا پیش می‌رود که در اکتبر ۲۰۱۹، دیده‌بان حقوق بشر گزارش کوتاهی در این رابطه منتشر می‌کند که «تحریم‌های آمریکا به حق سلامتی ایرانیان لطمه می‌زند.» تحریم‌های ثانویه توانایی ایران را برای خرید تجاری بسیاری از محصولات، از جمله تجهیزات پزشکی حیاتی و حتی دسترسی به داروهای مورد نیاز برای بیماری‌های خاص مسدود کرد. ایالات متحده با آنکه بارها گفته از تحریم‌ها برای آسیب رساندن به مردم استفاده نمی‌کند و استثناهایی به این منظور قائل است اما در عمل به آن وفادار نبوده. پراشاد در چند صفحه آخر کتاب به تعارض جدی میان سیاست‌های آمریکا با ادعاهای بشردوستانه‌اش اشاره کرده و درباره تبعات آن به خصوص در دوران شیوع بیماری کرونا نوشته: «وقتی ایالات متحده به تحریم‌های خود علیه بیش از ۵۰ کشور- اما بیشتر علیه کوبا، ایران و ونزوئلا- ادامه می‌دهد، آن هم زمانی که یک بیماری همه‌گیر جهانی در حالی وقوع است، این به ما در مورد ماهیت قدرت و اقتدار در جهان چه می‌گوید؟»

آخر آنکه «گلوله‌های واشینگتن» کتابی در گونه تاریخ سیاسی معاصر است که برخلاف بسیاری از کتاب‌ها، نگاه یک‌سویه به حوادث ندارد. پراشاد در این کتاب از سرگذشت کودتاهای معروف آمریکای لاتین (مانند شیلی، گواتمالا، بولیوی) تا مداخله‌های آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا در آسیا و آفریقا پرده برداشته است. رویکرد اصلی نویسنده، انتقاد به نظام سلطه جهانی و افشای نقش دولت‌های غربی در براندازی حکومت‌های مردمی و ترقی‌خواه است. پراشاد با اتکا به اسناد رسمی، نقل قول از شخصیت‌های تاریخی، و روایت‌های مختلف، نشان داده است که چگونه کودتاهای خارجی توسط ابرقدرت‌ها نه‌تنها موجب تغییر حکومت‌ها، بلکه آغازگر دهه‌ها ناامنی، فساد، و فقر ساختاری در مناطق مختلف بوده‌اند.

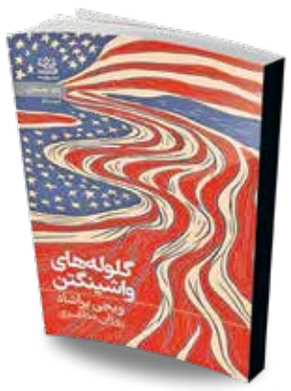

گلوله‌های واشینگتن

- **نویسنده:** ویجی پراشاد
- **مترجم:** روژان مظفری
- **انتشارات:** نشر رایبد
- **تعداد صفحات:** ۱۹۲ صفحه
- **قیمت:** ۲۱۰ هزار تومان

تاریخ‌نگارِ ناآرام جهان جنوب

نگاهی به زندگی و کارنامه کاری ویجی پراشاد از خیابان‌های کلکته تا سکوی تری کانتیننتال

ویجی پراشاد، مورخ، مفسر و روزنامه‌نگاری هندی-آمریکایی است که از محله‌های پرآشوب کلکته به دانشگاه‌های آمریکا و سپس به مدیریت مؤسسه تحقیقاتی تری کانتیننتال، مرکزی بین‌المللی با رویکرد ضدامپریالیستی رسید. او هرگز از اصل مهمی که برآن تأکید دارد دست نکشید، این که «تاریخ، میدان جدال بر سر روایت است.» با چنین نگاهی کتاب‌ها و مقالات او روایتی مستند و خواندنی از قرن بیستم و بیست‌ویکم ارائه می‌دهند؛ روایتی که جنوب جهانی را نه حاشیه، بلکه قلب تحولات نشان می‌دهد.

ریشه‌ها و مسیر زندگی: از کلکته تا شیکاگو و فراتر

ویجی پراشاد، سال ۱۹۶۷ در کلکته هند به دنیا آمد. علاقه‌مندی‌اش به سیاست ریشه در دوران کودکی و محیط خانواده‌ای دارد که در آن پرورش یافته چراکه سیاست و فرهنگ، حضوری همیشگی در گفت‌وگوهای روزانه‌شان داشته است. او بعد از اتمام دبیرستان به آمریکا رفت و در کالج پامونا (Pomona College) تحصیل کرد، سپس به دانشگاه شیکاگو رفت و دکترای تاریخ گرفت. هم‌زمان با زندگی کاری و تحصیلات دانشگاهی‌اش، هم به نوشتن مقاله‌ها و کتاب‌های متعدد تاریخی-سیاسی پرداخت و هم به گزارش‌نویسی و روزنامه‌نگاری سیاسی. پراشاد نه تنها به‌عنوان یک محقق و نویسنده، بلکه به‌خاطر نقشش به‌عنوان سردبیر LeftWord Books و سپس مدیریت اجرایی مؤسسه پژوهشی تری‌کانتیننتال Tricontinental شناخته می‌شود. او همچنین در سمینارها و کنفرانس‌های متعدد به سخنرانی پرداخته و به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده در شبکه فکری «چپ جهانی» فعالیت دارد.

ویجی پراشاد به‌عنوان صدایی منتقد نسبت به سیاست‌های آمریکا و نابرابری‌های جهانی شناخته می‌شود. طرفدارانش او را به‌خاطر آموزه‌های همدلانه نسبت به کشورهای جنوب و تحلیل تاریخیِ دقیق ستایش می‌کنند؛ منتقدانش نیز به‌خاطر گرایش‌های صریحاً چپ به او خرده می‌گیرند. پراشاد طی سال‌ها فعالیت عملی و پژوهشی نشان داده که پژوهش تاریخی می‌تواند ابزار تغییر اجتماعی باشد، نه فقط بازگویی حوادث. او اهمیت زیادی برای دیدگاه جنوب قائل است و تأکید دارد که برای فهم مناسبات بین‌المللی لازم است روایت‌های غیرغربی و تجربه کشورهایی که طولانی مدت تحت سلطه بوده‌اند، شنیده شود. از سوی دیگر آثار پراشاد هم داده‌محور است و هم داستان‌محور و از اسناد، سخنرانی‌ها و روایت‌های محلی بهره می‌برد تا تصویر کامل‌تری ارائه دهد. ویجی پراشاد را می‌توان پلی میان تاریخ و سیاست، میان دانشگاه و میدان اجتماعی دانست؛ کسی که نه فقط روایتگر تاریخ است بلکه تلاش می‌کند آن را به ابزار فهم و اقدام بدل کند.

> مرکز ثقل فکری پراشاد را می‌توان در ترکیب تاریخ‌نگاری انتقادی و مارکسیسم معاصر یافت. او تاریخ را به‌عنوان عرصه‌ای برای درک ساختارهای سلطه و مقاومت می‌نگرد؛ چه در بررسی جنبش‌های استقلال‌طلبانه قرن بیستم و چه در بازخوانی سیاست‌های امپریالیستی معاصر

مرکز ثقل فکری پراشاد را می‌توان در ترکیب تاریخ‌نگاری انتقادی و مارکسیسم معاصر یافت. او تاریخ را به‌عنوان عرصه‌ای برای درک ساختارهای سلطه و مقاومت می‌نگرد؛ چه در بررسی جنبش‌های استقلال‌طلبانه قرن بیستم و چه در بازخوانی سیاست‌های امپریالیستی معاصر پرداخته است. او همچنین در سخنرانی‌ها و روایت‌های محلی بهره می‌برد تا تصویر کامل‌تری ارائه دهد. ویجی پراشاد را می‌توان پلی میان تاریخ و سیاست، میان دانشگاه و میدان اجتماعی دانست؛ کسی که نه فقط روایتگر تاریخ بروشورهایی درباره امپریالیسم، مقاومت، سیاست‌های توسعه و همبستگی جنوب منتشر می‌کند. در سال‌های اخیر پراشاد بیش از آن‌که تنها یک نویسنده منفرد باشد، نقشِ سازمان‌دهنده و شبکه‌سازی را نیز بر عهده گرفته است. مؤسسه تری‌کانتیننتال که آن را هدایت می‌کند، پیوند میان پژوهشگران و فعالان اجتماعی را تقویت کرده است؛ انتشار گزارش‌های میدانی، مطالب تحلیلی و بروشورهای آموزشی دربارهٔ مسائل روز (مانند تحریم‌ها، جنگ‌ها، سیاست‌های نئولیبرال) از کارهای شاخص این نهاد است.

نگاهی به برخی آثار مهم پراشاد

پراشاد تاکنون بیش از ۳۰ کتاب نوشته است که اشاره مختصری به برخی از آنها در ادامه آمده است:

«The Karma of Brown Folk/ نیروی مردمان رنگین‌پوست (۲۰۰۰)»: بررسی هویت و تجربه مهاجران آسیای جنوبی در آمریکا و نقد نگاه شرق‌شناسانه.

«Arab Spring, Libyan Winter/ بهار عربی، زمستان لیبی (۲۰۱۲)»: تحلیلی از خیزش‌های عربی، با تمرکز ویژه بر لیبی و پیامدهای مداخلات خارجی.

«The Deaths of Others: The Fate of Civilians in America's Wars/ مرگ دیگران: سرنوشت غیرنظامیان در جنگ‌های آمریکا (۲۰۱۳)»: بررسی پیامدهای انسانی جنگ‌های آمریکا از ویتنام تا افغانستان و عراق.

«Red Star Over the Third World/ ستاره سرخ بر فراز جهان سوم (۲۰۱۷)»: بازخوانی تأثیر انقلاب اکتبر و ایدئولوژی کمونیستی بر جنبش‌های آزادی‌بخش آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین.

Washington Bullets (۲۰۲۰) مرور مداخلات سیا و دولت آمریکا در کودتاها و تغییر رژیم‌های قرن بیستم و بیست‌ویکم. افزون بر ترجمه روژان مظفری که به تازگی از سوی انتشارات رایبد منتشر شده است، دو ترجمه دیگر نیز از این کتاب در دسترس است، یکی ترجمه سعید محمدی کاوند که انتشارات اطلاعات منتشر کرده و دیگری ترجمه آیدین کریمی شاد که انتشار مضمون آن را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.

The Withdrawal (2022) کتاب مشترکی است که پراشاد در همکاری با نوام چامسکی نوشته است، سعید محمدی کاوند این کتاب را با عنوان «قدرت شکننده آمریکا» به فارسی ترجمه کرده و نخستین چاپ آن دو سال قبل از سوی انتشارات اطلاعات دراختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب خوانش انتقادی یکی از برهه‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران معاصر است. چامسکی و پراشاد از یک سو ستیزه‌جویی تجاوزگری و قدرت طلبی تهاجمی و برتری خواهی بدخیم آمریکا را بازخوانی می‌کنند و از سوی دیگر ناکامی آنها را در این مسیر نشان می‌دهند.
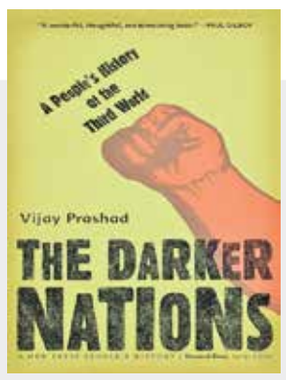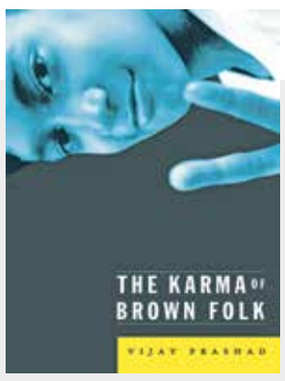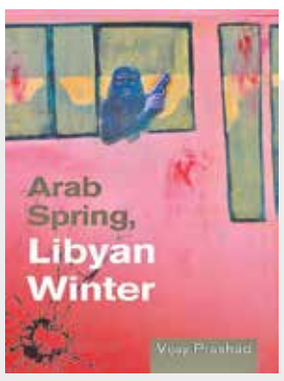
The Death of the Nation and the Future of the Arab Revolution (۲۰۱۶) سال گذشته با عنوان «کتاب مرگ ملت و آینده انقلاب عربی» و در قالب ترجمه‌ای گروهی، از سوی نشر بان منتشر شده است. این کتاب با تمرکز برای ماجرای درگیری‌های خاورمیانه در دوران کنونی نوشته شده است. او چشم‌اندازی ژئوپلیتیک از منطقه و جایگاه آن در جهان را به خواننده نشان می‌دهد و از این طریق، مخاطبان را از تغییرات چشمگیر بازیگران صحنه سیاست و اقتصاد در جهان آگاه می‌کند.